عکس: ایرنا

برای اهدای وسایل اضافه در خانه تکانی شب عید حرمت آدم‌ها را رعایت کنیم

زباله را نمی‌بخشند، دور می ریزند

مریم طالشی
گزارش نویس

زن فرز و چابک، جوری که به سن و سالش نمی‌خورد، از نردبان فلزی بالا می‌رود و دستمال را می‌چسباند به شیشه و شروع می‌کند به پاک کردن. رد دستمال روی شیشه می‌ماند و زن را شاکی می‌کند: «باز که دستمال را توی ماشین نینداختـه، دادید به من.» این را خطاب به صاحبخانه می‌گوید که نگران است پای زن روی نردبان قدیمی بند نشود و از آن بالا بیفتد و کار دست خودش دهد. زن دوباره برای آنکه تأکید کرده باشد، می‌گوید: «دستمال اگر خوب شسته و خشک نشده باشد، ردش روی شیشه می‌ماند. دستمال‌های نخی را بگذارید برای این کار و از هر دستمال و پارچه کهنه‌ای استفاده نکنید. لباس‌های کهنه نخ پنبه زنانه از همه بهتر است. زیرپوش‌های مردانه به درد شیشه پاک کردن نمی‌خورد. آنها را بگذارید برای زمین.»

زیور، زنی پنجاه و چند ساله، سال‌هاست کارش همین است. کارگر نظافتچی است و شوهرش هم در کارخانه لبنیات کارگر است. قرار است کارش که تمام شد شوهرش با موتور بیاید دنبالش: «همیشه برایم ماشین می‌گیرند اما امروز شلوغ است. با همان موتور برویم خانه بهتر است.» زیور این روزها حسابی سرش شلوغ است. وقت خالی پیدا نمی‌کند. یک دفتر کوچک دارد که وقت‌ها را داخل آن نوشته است. برای خودش کار می‌کند و زیر نظر شرکت‌های خدمات نظافتی نیست. می‌گوید اینجوری راحت‌ترم. مشتری‌ها هم او را می‌شناسند و همین تعداد مشتری ثابت برایش کفایت می‌کند و لازم نیست دنبال مشتری جدیدی باشد خصوصاً شب عید که دیگر وقت سر خاراندن پیدا نمی‌کند و خانه تکانی خانه خودش فراموش می‌شود: «همیشه خانه تکانی خودم را توی عید انجام می‌دهم. تا قبل از آن وقت نمی‌شود. همه می‌خواهند شب عید خانه‌شان برق بزند و هیچ چیزی کم نباشد.» زیور دو تا دخترش را عروس کرده و یک دختر دیگر در خانه دارد. دخترش دانشجواست و بعضی وقت‌ها که خیلی کار زیاد است برای کمک به مادرش می‌آید: «امسال گفتم تو بنشین در خانه و درست را بخوان. ترم پنجم است و مدیریت می‌خواند. کلاس‌هایشان مجازی است و باید پای اینترنت باشد. اگر بخواهد با من بیاید که به درسش نمی‌رسد. یک چیز دیگر هم هست که ناراحتم می‌کند و به خاطر آن دلم نمی‌خواهد با من سر کار بیاید. بالاخره دخترم جوان است و غرور دارد. بعضی‌ها یک جوری نگاه می‌کنند و رفتارشان طوری است که بچه معذب می‌شود و به غرورش برمی‌خورد.» زن این را که می‌گوید سر درددلش باز می‌شود: «حالا این به کنار، این روزها گاهی برای کار که جایی می‌روم، لباس و وسایل اضافه جمع می‌کنند و می‌دهند که ببرم. بعضی‌ها چیزهایی را به آدم می‌خواهند بدهند که حتی توی خانه خودشان هم دیگر قابل استفاده نیست. مثلاً وسایل برقی سوخته و غیرقابل تعمیر یا پتوهای خیلی کهنه که گوشه‌هایش تکه و پاره شده. چند روز پیش وقتی سرویس بهداشتی خانه‌ای را تمیز کردم، خانم صاحبخانه گفت کارت که تمام شد، آن فرچه داخل دستشویی را هم ببر برای خودت، من یک جدیدش را خریده‌ام. باور کنید آن فرچه حداقل ۱۵، ۲۰ سالی می‌شد که داشت استفاده می‌شد. کاملاً چرک‌مرده و کهنه بود. همه پرزهایش از بین رفته بود. آن را من می‌خواهم چه کار؟ من دارم اینجور سخت کار می‌کنم که زندگی‌ام در حد توان خودم خوب باشد. نیازی به وسایل کهنه مردم ندارم، البته مشتری‌های قدیمی خودم این چیزها را رعایت می‌کنند و حواسشان هست. این روزها مشتری‌های جدیدی دارم که مشتری‌های قبلی معرفی کرده‌اند و آنها من را خوب نمی‌شناسند، البته من که نه، هرکسی باشد بهش برمی‌خورد.»

حرف دل زیور شاید حرف دل خیلی‌های دیگر هم باشد. این روزها وقتی در حال خانه تکانی هستیم، به صرافت می‌افتیم بعضی وسایل قدیمی را دور بریزیم؛ چیزهایی مثل لباس و وسایل خانه که اگر قابل استفاده و کهنه نباشد، بخشیدن آن کار خوبی است اما گاهی در همین بخشش حرمت افراد را در نظر نمی‌گیریم. «بعضی وسایلی که به دست ما می‌رسد، جوری غیرقابل استفاده و کهنه است که خودمان وقتی بسته‌ها را باز می‌کنیم خجالت می‌کشیم چه برسد به اینکه بخواهیم آنها را دست افراد نیازمند برسانیم.» محبوبه صفری که به‌صورت خودجوش هرسال شب عید کار جمع‌آوری و توزیع اقلام بین نیازمندان را انجام می‌دهد این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «من خودم خیریه ندارم اما به کسانی که خیریه دارند کمک می‌کنم. بیشتر پوشاک و کیف و کفش جمع می‌کنم و به خیریه‌ها می‌رسانم و آنها وسایل را بین نیازمندان توزیع می‌کنند. پیش آمده که خودم هم مستقیم به کسی که نیاز دارد برسانم. مثلاً کسی گفته بود خانواده‌ای به یخچال نیاز دارد و من یک یخچال دست دوم به دستم رسید و برایش فرستادم اما بیشتر همان پوشاک و کیف و کفش را جمع‌آوری می‌کنم.»

> این روزها گاهی برای کار که جایی می‌روم، لباس و وسایل اضافه جمع می‌کنند و می‌دهند که ببرم. بعضی‌ها چیزهایی را به آدم می‌خواهند بدهند که حتی توی خانه خودشان هم دیگر قابل استفاده نیست. مثلاً وسایل برقی سوخته و غیرقابل تعمیر یا پتوهای خیلی کهنه که گوشه‌هایش تکه و پاره شده

او ادامه می‌دهد: «با اینکه بارها به افراد توصیه و تأکید کرده‌ام که از بخشیدن لباس‌های کهنه خودداری کنند، باز هم متأسفانه می‌بینم برخی چنین کاری می‌کنند. شما اگر می‌خواهید لباس یا کفشی را به دیگران ببخشید، باید جوری باشد که خودتان به همان شکل بتوانید از آن استفاده کنید. خیلی‌ها می‌گویند من لباس را از توی کمد برداشته‌ام و دلیل اینکه دارم آن را می‌بخشم این است که مثلاً برایم تنگ شده یا جا ندارم و واقعاً هم وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم لباس کاملاً نو و مرتب است. برخی اما اصلاً رعایت نمی‌کنند و مثلاً کفشی را [به اصطلاح] می‌بخشند که کفه‌اش ور آمده و قابل پوشیدن نیست، البته بعضی اجناس با تعمیرات قابل استفاده می‌شوند که ما خودمان این کار را می‌کنیم اما بعضی دیگر جوری خراب و کهنه است که هیچ کاری نمی‌شود کرد. لباس‌های خیلی کهنه را مردم باید به دستگیره و زمین شوی تبدیل کنند نه اینکه آن را به دیگری ببخشند.

شما باید خودتان را بگذارید جای کسی که می‌خواهد این لباس یا کفش را دریافت کند. او نیازمند است اما هرکس غرور دارد و نباید کرامت و غرور افراد را جریحه‌دار کرد. من می‌بینم ظرف‌های لب پر و شکسته را برای اهدا به نیازمندان می‌بخشند و خودم از این رفتار دیگران شرمنده می‌شوم. یک بار هم خانمی دو چمدان لباس برایم آورد و همه لباس‌ها خیلی شیک و نو بود. گفت من دارم از ایران می‌روم و نمی‌توانم همه لباس‌هایم را با خودم ببرم و کسی را هم ندارم که لباس‌ها را به او بدهم. اگر خواهری داشتم خیلی خوشحال می‌شد لباس‌هایم را به او بدهم اما ندارم و به خاطر همین اینها را آورده ام تا به کسی بدهید که از دیدنشان خوشحال شود.

آنقدر این حرفش به دلم نشست که نگو. خیلی توصیف قشنگی کرد؛ شرایط و نگاهش را دوست داشتم چون خودش هم اهل لباس و خیلی آراسته و معلوم بود خیلی لباس‌هایش را دوست دارد و با عشق و محبت هم آنها را اهدا کرد. درخواست من از مردم این است که این مسأله را حتماً در نظر داشته باشند و وقتی می‌خواهند چیزی به کسی ببخشند، فکر کنند دارند آن را به فرد نزدیک و عزیز خود می‌بخشند. این طوری حتماً حرمت و شخصیت افراد را در نظر می‌گیرند و آنها را جدا از خود نمی‌دانند.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۸۸

آسان

۶				۳				
	۹		۲	۱	۶	۴	۵	
	۴		۸	۹			۳	
		۷		۵			۶	
	۵	۴				۱	۹	
	۱			۴		۷		
	۸			۶	۱		۴	
	۷	۲	۳	۸	۴		۱	
				۲				۷

متوسط

	۳		۵	۱				۶
۵				۲			۳	۹
	۷		۸			۵		
۴					۳	۱	۹	۸
۱	۲	۷	۹					۳
		۲			۸		۴	
۶	۴			۹				۵
۳				۵	۴		۲	

سخت

				۹			۶	۵
۵								
۳	۷		۴	۵		۹		
	۶	۴	۹			۱		
		۹				۳		
		۵			۸	۴	۲	
		۳		۷	۱		۴	۸
								۳
۴	۵			۶				

خیلی سخت

		۸	۹					۶
	۶			۷	۲			
۲	۷				۴			
		۷						۵
۸	۲						۴	۹
۵						۷		
			۱				۹	۲
			۸	۴			۵	
۱					۹	۶		

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۸۸

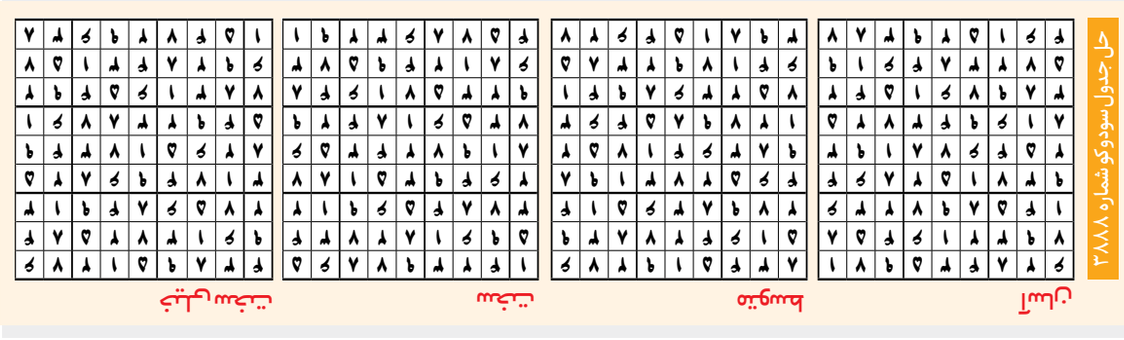

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۵۷

جدول عادی

افقی:

۱- متوجه منظور یکدیگر نشدن و تعبیر نادرست از قصد و نیت کسی - نوعی طرح پیراهن
۲- رسم مغولی - ابزار بنایی - مأمور انتظامی
۳- دستیابی - نام دخترانه - نامرتب
۴- جرأت و جسارت - خودروی جمعی - منظره - آبرو
۵- قبول نشده - کنده کاری چوب - نامی برای خانم‌ها
۶- شیرینی عزا - نوا و لحن - باروبنه
۷- صدا - گرفتاری و مصیبت - تقسیم کننده آب در زمین‌های کشاورزی
۸- منفرد - ترازکردن حساب مالی - محتوای نوشته
۹- منش انسانی - یتیمان - یاری کننده
۱۰- خوراک پیراشکی مانند - دادن و گرفتنش جرم است - سنگ انداز
۱۱- فساد و نابودی - غذای اصیل ایرانی - لباس یکدست
۱۲- اطراف دهان - جعبه میز - لغزیدن پا - اعلام خطر
۱۳- ظرف مرکب - داستان کوتاه صادق هدایت - رشد کردن
۱۴- دوستان - تمام کننده - ادویه مخلوط
۱۵- راهی که رو به نشیب برود - عبور کالا از کشور

عمودی:

۱- دختر کفش بلورین - انتهای روده کور
۲- ادیب ایرلندی با نام «اسکار» - نام «جوان» بازیگر خانم - بی خبر از پیاده
۳- دلداری - فرمانروایی - عقاید
۴- محجوب - بحری در عروض - فریاد نزدیک - بزرگ ایل
۵- پایتخت دولت آشور - یکی از لوازم التحریر - محصول مرداب
۶- مرغ استخوان خوار - وجه و سبب - گواهان
۷- نفت سیاه - برابری - بی سواد
۸- نرمخوی - یک نوع سالاد - بدسیما
۹- عددی دورقمی - آخر چیزی - نشانه گذاری
۱۰- محله‌ای در تهران - سخت انگلیسی - بخشی از بدن انسان
۱۱- غذا قرمزکن! - ورزش ذهنی - شهر زیبای گیلان
۱۲- ساکت و بی صدا - صدای کلفت - از ابزار نجاری - شهر خرمالو
۱۳- اسم مصدر از وزیدن - بی نظمی ضربان - عشوه گر
۱۴- پچ پچ - لقب بانوان - گوساله کش معروف
۱۵- مسابقه‌ای تلویزیونی که از شبکه نسیم پخش می‌شود - شهر اتومبیل

جدول ویژه

افقی:

۱- یکی از روستاهای استان اردبیل در بخش مرکزی شهرستان گرمی - غذای محلی اراک
۲- رانده شده - نوعی خودروی هیوندای - بندر اروپا
۳- زمانی مرکز طبرستان بود - به شمار آورده - فرار
۴- شرکتی خودروساز - مساوی - انسان - باغ وحش بیگانه
۵- زائوترسان - ابزار بنایی - واحد پول «تونس»
۶- جای پختن نان - ادویه‌ای در آشپزی هندی - نام پسرانه
۷- متحد - جزیره «ایتالیا» - همیشگی
۸- صدا و نغمه - تنگه - عقیم
۹- تابلوی «رنوار» - شهری در «آلمان» - عیب و عار
۱۰- خطاب بی ادب - مادر اسحاق - ریشه در رسوم قدیمی دارد
۱۱- محصول گون - خرمی و شادابی - درخت انگور
۱۲- بردگی - هذیان - امر از زیستن - رواج
۱۳- تصدیق سخن - وسیله‌ای در اسکله - شهر «ترکیه»
۱۴- سد «گلستان» - سریالی با حضور «کمند امیرسلیمانی» - تکیه‌گاه
۱۵- سامانه رقمی - شهری در «کلمبیا»

عمودی:

۱- سبک شعر «ابن یمین» - اثر «کریستین هانا» (۲۰۲۱)
۲- مختصر - مجموعه حرکات رزمی - نوعی زیرانداز
۳- آبی تیره - نظری - مبهوت
۴- قلیل - شهر پرجمعیت «چین» - نفس سوزناک - کدورت خاطر
۵- کتاب لغت - قاره کهن - بینوا
۶- ستون عرشه کشتی - پارتیزان - مفصل میان ساعد و بازو
۷- روزانه - شهر «عراق» - فربه
۸- بابا - خاویار گیاهی - ناتوان
۹- تصدیق عامی - دهلیز - وسیله دست پلیس
۱۰- اسطوره کشتی آزاد کشورمان - آفت درخت - آیینه مقعر
۱۱- هواکره - با «گفت» آید - گیاهی چندساله و علفی
۱۲- یک فرایند یا روش تفکر - اشاره بعید - خالکوبی - شیره خرما
۱۳- مرواریدها - مشاوره - شهر «فرانسه»
۱۴- شهر مارکوپولو - داستان بلند - وسطی
۱۵- رمانی کلاسیک و ژاپنی اثر «موری اوگای» - بازیگر و کمدین هندی

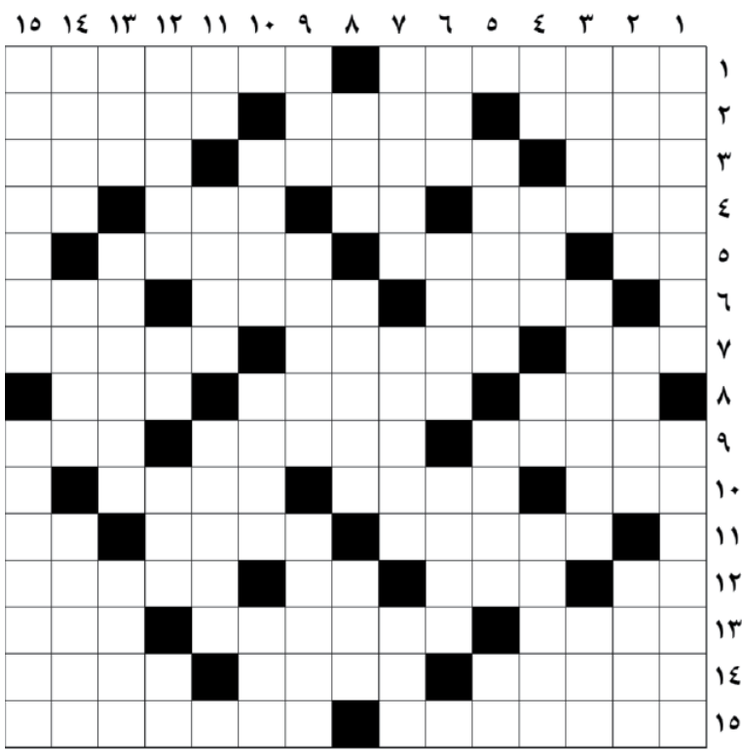

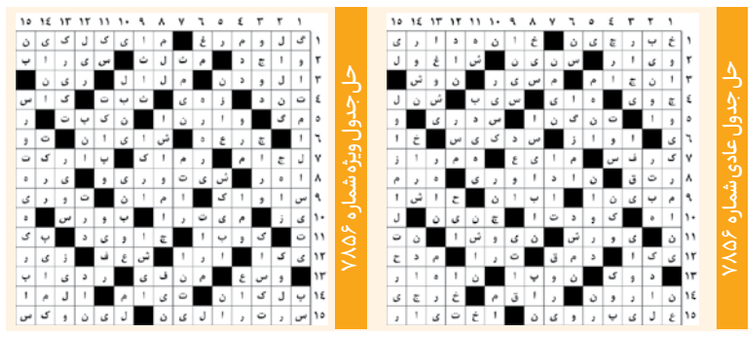

حل جدول عادی شماره ۷۸۵۶

حل جدول ویژه شماره ۷۸۵۶